

بررسی و نقد مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی در باره انقلاب اسلامی ایران

عباس کشاورز شکری^۱

چکیده:

جامعه‌شناسی تاریخی رهیافتی مناسب برای مطالعه و درک ساختارهای کلان اجتماعی و روندهای بنیادین دگرگونی در این ساختارهاست. از این رهیافت برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی بهره گرفته شده است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان مطالعات جامعه‌شناسانه تاریخی ایران را در دسته‌های زیر جای داد:

رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی مارکسیستی که دو نحله‌اند. در نحله قدیم برخی تلاش کرده‌اند مراحل و دوره‌بندی تاریخی مارکس را بر تاریخ ایران منطبق نمایند. نویسندگانی مانند پطروشفسکی، گرانوسکی، ایوانف، طبری، سوداگر، فشاهی، جزنی و ولی در این زمره‌اند. نحله دوم تلاش کرده‌اند با بحث شیوه تولید آسیایی و استبداد شرقی پدیده‌های اجتماعی در ایران را توضیح دهند. خنجی، اشرف و کاتوزیان متأثر از این مباحثند.

در نحله جدید می‌توان از تدا اسکاچپول نام برد که تلاش کرده انقلاب اسلامی را با الگوی ساختارگرایانه خود منطبق سازد.

رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی وبری که بحث سلطانیسم و پاتریمونالیسم را در ایران دنبال می‌کنند و تلاش کرده‌اند دولت ایران و آسیب‌پذیری‌های آن را با این دو نظریه توضیح دهند، برای مثال نصرالله نوروزی تلاش کرده است آسیب‌پذیری‌های دولت پهلوی دوم را چنین توضیح دهد.

رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی الهام گرفته از کارهای والرشتاین که تلفیقی از نظام جهانی و شیوه‌های تولید داخلی و مکتب وابستگی آندره گوندر فرانک است و در اثر جان فوران با عنوان مقاومت شکننده دیده می‌شود.

رهیافت جامعه‌شناسانه دیگر رهیافت کارکردگرایانه تحت تأثیر جامعه‌شناسی پارسونز

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

است. در این سنت فکری با مفاهیمی همچون جامعه سنتی، جامعه مدرن و جامعه در حال گذار تلاش می‌کنند تحولات اجتماعی ایران را توضیح دهند. آثار آبتون، آوری، بخاش و بایندر در این زمره‌اند.

نظریه کارکردگرایی در آرا و افکار چالمز جانسون به صورت نظریه انقلاب متبلور شده است و برخی با این نظریه تلاش کرده‌اند انقلاب اسلامی را توضیح دهند.

بررسی‌های جامعه‌شناسی تاریخی که با استفاده از نظریه هانتینگتون تلاش کرده‌اند انقلاب اسلامی را تبیین کنند نیز در زمره رهیافت‌های جامعه‌شناسی تاریخی کارکردی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین اثر در این دسته کار آبراهامیان است.

رهیافت مهم دیگر، رهیافت چارلز تیلی است که نقش گروه‌ها و سازمان‌ها و بسیج منابع را در انقلاب‌ها مطرح ساخته و برخی از پژوهشگران مانند هادی سمتی از آن برای تبیین تاریخی انقلاب اسلامی ایران استفاده کرده‌اند.

روش به کار گرفته شده در آثار فوق غالباً روش تحلیل اسنادی است. برخی نیز از روش مقایسه‌ای برای تبیین علل انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند. همچنین از روش تجربی نیز برای آزمون فرضیه‌های ارائه شده استفاده شده است. در این مقاله به بررسی و نقد این رهیافت‌های مختلف و روش بکار رفته در آنها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی مارکسیستی - جامعه‌شناسی وبری - جامعه‌شناسی کارکردی - جامعه‌شناسی تاریخی.